

## ارتباط فقر با میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی

\* والیه گنجی

کد مقاله: ۲۹۳

### چکیده

مقاله‌ی حاضر به بررسی ارتباط ابعاد فقر با میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان می‌پردازد و فرضیه‌ی اصلی آن این است که فقر و قانون‌گریزی (عدم رعایت قوانین) آسیب‌های عمده‌ی اجتماعی است که در تعامل باهم بوده است و هر چه شدت فقر بیشتر باشد، هنجارها، قوانین و ساختارهای تنظیم‌کننده‌ی روابط اجتماعی انسان‌ها ضمانت اجرایی لازم در مناطق حاشیه‌نشین را ندارد. از این رو بر اساس نظریه‌ی فرهنگ فقر اسکار لوتیز، فقر فرهنگی جیمز کلمن، ساختاری فرصت مرتن، بوم‌شناختی برگس، تکنیک خنثی‌سازی ساترلند و نظریه‌ی تضاد به تحلیل ارتباط ابعاد فقر با میزان رعایت قانون و سوق به قانون‌گریزی پرداخته شد. جامعه آماری بررسی حاضر حاشیه‌نشینان آخمقیه تبریز و حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۸۰ نفر بود که نمونه‌ها به روش تصادفی سیستماتیک استخراج شد و گردآوری داده‌ها با پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفت که عمده‌ترین نتایج آن به شرح زیر است:

۹۰ درصد از حاشیه‌نشینان در ۴ ماه اول سال ۸۷ حداقل یک‌بار قانون‌گریزی کرده‌اند. با این وجود قانون‌گریزی یک آسیب اجتماعی جدی است و با پایگاه فرهنگی و اجتماعی حاشیه‌نشینان در ارتباط است. همچنان‌که بر اساس مدل رگرسیونی به ترتیب فقر نگرشی به قانون، فقر تحصیلات، و فرهنگ فقر، بعد خانوار و خاستگاه اجتماعی والدین حاشیه‌نشینان، بسترهای مساعدی را برای قانون‌گریزی و توجیه اعمال قانون‌گریزانه فراهم می‌کند و فرد را در موقعیت‌های هدف‌یابی به مکانیسم‌های خنثی‌سازی و توجیه رفتار هدایت می‌کند تا به روش‌های فردی و غیرهنجاری عمل نماید. در نتیجه با ادامه انحراف اولیه، انحراف‌های ثانویه نمود پیدا کرده و میزان قانون‌گریزی افزایش می‌یابد.

**واژگان کلیدی:** میزان رعایت قانون، قانون‌گریزی، فقر فرهنگی، فرهنگ فقر، نگرش به قانون، سطح مشارکت اجتماعی.

#### مقدمه

حاشیه‌نشینان که فرهنگی متمایز از شهرنشینان دارند، با عواملی دست‌به‌گریبان هستند که با عدم رعایت نظم، هنجارهای رایج در این منطقه را عمومیت داده‌اند. از این‌رو حاشیه‌نشینی یکی از بسترهای مناسب برای آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. در شرایط نظم‌گریزی عملاً آسیب‌ها حیات اجتماعی را تهدید می‌کنند که عوامل چندگانه و عمده‌ای در آن دخیلند. بنابراین در پژوهش حاضر به گزارش مصادیق قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان به عنوان نمودی از آسیب‌های اجتماعی پرداخته‌ایم و ارتباط عوامل فردی و فرهنگی - اجتماعی حاشیه‌نشینان را با قانون‌گریزی بر اساس نظریه بوم‌شناختی مکتب شیکاگو، ساختار فرصت رابرت مرتن، نظریه نابهنجاری دورکیم، خنثی‌سازی ساترلند، فرهنگ فقر اسکار لوتیز، هم‌نشینی افتراقی ساترلند و نظریه تضاد کارل مارکس تبیین نموده‌ایم. در این مقاله منظور از فقر، فقر فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. یافته‌های تجربی مقاله نیز حاصل مطالعه پیمایشی بر روی حاشیه‌نشینان منطقه آخمقیه تبریز است.

#### بیان مسأله

در ایران با این خطر بالقوه روبرو هستیم که فاصله انتظارات و خواست‌های عمومی ساکنان از یک‌سو و نبود تجهیزات لازم فنی، مالی، اجتماعی و برنامه‌ریزی پیوسته از سوی دیگر، شکاف موجود میان هدف‌ها و ابزارها را تشدید می‌کند و زمینه‌های بی‌نظمی، انحراف اجتماعی و قانون‌گریزی را در شهرها و مناطق حاشیه‌نشین گسترش می‌دهد رابطه تضادها و تمایزات فرهنگی میان فرهنگ مهاجران مناطق حاشیه‌نشین و فرهنگ حاکم بر کلان‌شهرها از عوامل مهمی است که با بزهکاری جوانان در این مناطق قابل بررسی است.

#### اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به وضعیت کنونی جامعه‌ی شهری ایران پدیده‌ی حاشیه‌نشینی یا اسکان غیررسمی، یکی از مهمترین معضلات اجتماعی و شهری است. مطابق مطالعات، مسأله‌ی حاشیه‌نشینی در ایران صرفاً فیزیکی و کالبدی نبوده است، بلکه مسأله‌ای ساختاری است که در اثر نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی و منطقه‌ای به وجود آمده است، بنابراین و با توجه به این تفاسیر این معضل اجتماعی (قانون‌گریزی) به

خصوص در مناطقی که با فقر فرهنگی و فرهنگ فقر روبرو هستند و در حواشی شهرها مشهودتر است. در این مقاله سعی شده است مصادیق قانون‌گریزی بر مبنای حوزه‌های فقر فرهنگی، اجتماعی و فرهنگ فقر تشریح شود. در این زمینه پرسش اساسی این است که تا چه حد فقر اجتماعی - فرهنگی آمادگی افراد را برای قانون‌گریزی فراهم می‌آورد و باعث شکل‌گیری فرهنگ بیشتر قانون‌گریزی در میان حاشیه‌نشینان می‌شود.

### اهداف پژوهش

#### هدف کلی

تعیین رابطه بین انواع فقر با میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی.

#### اهداف اختصاصی

- تعیین رابطه بین فقر فرهنگی و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان
- تعیین رابطه بین فرهنگ فقر و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان
- تعیین رابطه بین فقر نگرشی و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان
- تعیین رابطه بین فقر تحصیلات و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان
- تعیین رابطه بین فقر مشارکتی و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان
- تعیین رابطه بین خاستگاه اجتماعی والدین حاشیه‌نشین و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان

### تعریف مفاهیم و متغیرها

میزان قانون‌گریزی: عبارتست از نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که ضمانت‌های اجرایی رسمی دارد. شیوع تکرار این رفتار، میزان قانون‌گریزی افراد را تعیین می‌کند (ماهرویی، ۱۳۸۱؛ مؤمنی، ۱۳۸۱؛ بطحی، ۱۳۷۵؛ قنبری، ۱۳۷۵). مانند عدم پرداخت مالیات، بی‌توجهی به علایم راهنمایی و رانندگی که مصداق‌های عینی قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان را پوشش می‌دهد، پس از تعیین اعتبار انتخاب شد و در مقیاس فاصله‌ای طبق معادله‌ی زیر سنجیده شد.

تکرار موارد قانون‌گزیزی در طول ۴ ماه اول سال ۱۳۸۷  
×۱۰۰  
کل موارد احتمال قانون‌گزیزی

میزان رعایت قانون: رعایت قانون عبارتست از سطح رعایت هنجارهای رسمی در برآورد انتظارات فردی و گروهی از طریق حق‌شناسی، انجام وظیفه، قانع‌بودن به حقوق خویش و عدم تعرض به مصالح گروهی و اجتماعی (صمدی، ۱۳۸۲) که در این مقاله عبارتست از: رعایت نظم، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، رعایت قوانین اماکن عمومی.

فقر فرهنگی: منظور از فقر فرهنگی از نظر جیمز کلمن عبارتست از نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده و نیز منزلت اجتماعی پایین که ناشی از عدم احساس امنیت در کنش متقابل اجتماعی می‌باشد. مانند: کم‌توجهی خانواده، طلاق والدین، اعتیاد والدین، کم‌سوادی والدین (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۲۴۰).

فرهنگ فقر: روشی از زندگی است که در نتیجه به سر بردن در چنان شرایطی برای مردمان فقیر حاصل می‌شود، همچنین واکنشی است که انسان فقیر در برابر بی‌ارجی خود در جامعه‌هایی که بر اساس نظام طبقاتی، فردگرایی و اقتصاد مبتنی بر سرمایه برقرار شده است، نشان می‌دهد (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۹۷) که در این مقاله عبارتست از: ترک مدرسه، اعتقاد به قضا و قدری بودن زندگی و عدم کنترل خشم و ...

سطح مشارکت: عبارتست از سطح انجام فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیردولتی در حوزه‌های روابط اجتماعی. مثلاً اگر فردی مسئولیتی در محله مسکونی خود به عهده گیرد و یا هنگام مشاهده اعمال قانون‌گزیزی اعتراض نماید مشارکت اجتماعی دارد (کلمن، ۱۹۸۶) که در این مقاله سطح مشارکت عبارتست از: دنبال‌کردن اخبار روز، شرکت در مسابقات تفریحی و علمی، اقامه نماز جماعت، انجام خدمات عمومی، شرکت در مراسم مذهبی، پرداخت مالیات سر وقت و ...

نگرش به قانون: عبارتست از زاویه‌ی دید هر فرد نسبت به قوانین موجود در جامعه، برداشت و طرز تلقی او از قوانین آن جامعه می‌باشد که در این مقاله مانند: این احساس که رعایت قانون باعث احساس موفقیت می‌شود. یا قانون در همه جا وجود دارد یا قانون به نفع همه مردم است و اعتقاد به بالا رفتن اعتماد مردم به یکدیگر.

**مبانی نظری**

دورکیم معتقد است که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همه‌ی ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می‌کند، تنظیم اجتماعی سست می‌شود و میزان قانون‌گریزی در جامعه اوج می‌گیرد. به زعم دورکیم نوسانات شدید اقتصادی که منجر به گردآوری ناگهانی ثروت و یا از دست رفتن آن می‌شود، تاثیر قاطع‌تری دارد و از نظر زمانی برای دوران طولانی‌تری فرآیند انطباق اجتماعی و اطاعت از قوانین و عرف را به عنوان نیروهای اجتماعی کاهش می‌دهد، زیرا موجب تغییر ناگهانی ارزش‌های اجتماعی می‌شود، و در مردم حالت سردرگمی عارض می‌شود (مؤمنی، ۱۳۸۱، ص ۳۳). در این حالت شکاف طبقاتی به وجود می‌آید و افراد سعی می‌کنند با توسل به وسایل مختلف در راستای هدف‌گذاری‌های جامعه حرکت نکنند که در نتیجه انواع قانون‌گریزی‌ها و قانون‌شکنی‌ها شکل می‌گیرد (صدائق، ۱۳۸۴، ص ۶).

**نظریه ساخت اجتماعی و آنومی از مرتن**

از نظر مرتن، جامعه‌ای آنومیک است که در آن خواست‌ها و نیازهای اجتماعی تناسب معقولی با وسایل و امکانات برای برآوردن نیازها و خواست‌ها نداشته باشد. مثلاً جامعه بر آرمان‌هایی تکیه می‌کند و به آن‌ها پافشاری می‌کند، بی‌توجه به این که وسایل و تمهیدات و امکانات رسیدن به این آرمان‌ها برای تقریباً اغلب افراد جامعه فراهم نیست (فریبار، ۱۳۷۶، ص ۳۳).

**نظریه‌ی ساختاری فرصت، فقر و قانون‌گریزی**

از نظر مرتن وقتی فقر در جامعه گسترش می‌یابد که جامعه ابزار و امکانات تولید ثروت را یکسان توزیع نمی‌نماید و استعداد و توانایی اعضای جامعه برای تلاش مشروع نیز به طور یکسان پرورش نمی‌یابد. بنابراین در این شرایط باید انتظار داشت که فقرا برای تطبیق‌پذیری، رفتارهای غیرقانونی بیشتری برای پاسخگویی تقاضاها و رفع نیازهای ضروری خود انجام دهند (ریانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۷) که نتیجه آن تضعیف قانون و عادی جلوه‌دادن قانون‌گریزی است. آسیب اجتماعی گسترش می‌یابد و بخش عظیمی از رفتار قانون‌گريزانه‌ی شخص از حیطة‌ی کنترل وی خارج می‌شود که هر چه سطح ناتوانی و یا

احساس ناتوانی و فقر فرد بیشتر باشد، دلیل تراشی برای قانون‌گریزی او نیز افزایش می‌یابد.

### تبیین ارتباط فقر با قانون‌گریزی در نظریه‌ی بوم‌شناختی

یکی از پیش‌فرض‌های اساسی نظریه بوم‌شناسی که در مکتب شیکاگو توسعه یافته است این است که آن دسته از حوزه‌های درون شهرهای تجاری و صنعتی که به لحاظ اجتماعی دچار بی‌سازمانی شده است. ارزش‌ها و سنت‌های قانون‌شکنی و روی‌آوری به رفتارهای بزهکارانه را توسعه می‌دهد. بر اساس نظریه برگس مناطق طبیعی شهر مخصوصاً منطقه‌ی انتقالی به‌وسیله‌ی شاخص‌های ویژه‌ای نظیر سطح بالای تحرک و تراکم جمعیت، ویرانی خانه‌ها، تنگ بودن کوچه‌ها و خیابان‌ها، پایین‌بودن سطح بهداشت عمومی اماکن و نیز وجود گروه‌های خرده‌فرهنگی همراه با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین ساکنین این مناطق مشخص می‌شوند که نسبت به سایر مناطق شیوع رفتارهای قانون‌گريزانه و اعمال خراب‌کارانه بیشتر است (ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۸۸).

### تحلیل ارتباط فقر فرهنگی با قانون‌گریزی

بی‌سوادی و کم‌سوادی، ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده‌فرهنگ‌ها و توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روزافزون ارتباطات فراملی، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد، گروه‌های اجتماعی منجر می‌گردد (عبداللهی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷). در چنین شرایطی افراد و گروه‌های اجتماعی اگر از نظر خانوادگی نیز دچار نابسامانی باشند، بر سر تشخیص اهداف و راه‌های نیل به اهداف دچار سرگردانی می‌شوند و از نظر اخلاق نظری و اخلاق عملی دچار تعارض می‌گردند و بر هنجارها و قواعد عمل نمی‌کنند و انگیزه‌ی مشارکت در امور عام‌المنفعه و خیر عمومی را از دست می‌دهند. این افراد در جهت نیل به اهداف فردی با صرف هزینه‌های عمومی به خودخواهی خود ادامه می‌دهند و از جامعه انتقام می‌گیرند (صالحی، ۱۳۷۸؛ عبداللهی، ۱۳۷۸).

### نظریه فرهنگ فقر از اسکار لوئیز

اسکار لوئیز (۱۳۵۳) با طرح نظریه «فرهنگ فقر»، بر این نکته تاکید دارد که هنگامی که به فرهنگ فقر در سطح اجتماعات محلی و کوچک توجه می‌شود، به نظر اسکار لوئیز فرزندان خانواده‌هایی که برای مدت طولانی در فرهنگ فقر به سر می‌برند این ویژگی‌ها و رفتارها را دارند:

- کوتاه بودن دوران کودکی، یعنی کودکان زود وظایف بزرگترها را بر عهده می‌گیرند،
- محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم در خانواده،
- شروع روابط جنسی در دوران کودکی،
- روابط بی‌بند و بار جنسی،
- ترک خانواده در سنین پایین (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷).

### پیشینه تحقیق

در تحقیقی که در ۶ ماه دوم سال ۱۳۸۳ توسط دکتر کامران صداقت در بین شهروندان تبریز در مورد «قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان» انجام پذیرفت، نتایج زیر به دست آمد.

بین احساس نظارت نهادی رسمی با قانون‌گرایی همبستگی مستقیم  $r=0/35$  وجود دارد در واقع هر جا که کنترل رسمی تسلط بر کنشگران اجتماعی نظارت داشته باشد و این نظارت توسط کنشگران حس شود هم‌نوایی با هنجارها بیشتر می‌شود. بین مشارکت اجتماعی و قانون‌گرایی شهروندان همبستگی  $r=0/46$  با سطح معنی‌داری  $p=0/000$  وجود دارد، یعنی هر چه مشارکت اجتماعی افراد افزایش یابد این امر به خاطر احساس تمهیدی است که در فرد ایجاد شده است. بین سطح شهروندی و قانون‌گرایی همبستگی مستقیم معنی‌دار  $r=0/28$  وجود دارد. بین تحصیلات و قانون‌گرایی شهروندان نیز همبستگی اسپیرمن انجام شده، همبستگی مستقیم معنی‌دار  $r=0/157$  وجود دارد، بین نگرش دینی با قانون‌گرایی نیز همبستگی مستقیم معنی‌دار  $r=0/367$  وجود دارد و این بیانگر آن است که هر چه افراد اعتماد ارزشی داشته باشند از نیروی نظارت بیشتری جهت قانون‌گرایی بهره‌مند می‌شوند.

فاروقیان (۱۳۵۳) در تحقیقی با عنوان نگرشی بر بزهکاری نوجوان پسر و دختر ۱۵-۱۸ ساله محبوس در یکی از زندان‌های شهر تهران که وابسته به کانون اصلاح و تربیت جوانان بوده است، نشان داد که بی‌ثباتی و تزلزل خانوادگی عامل مهمی در بزهکاری جوانان است. مطالعه دیگری روی جوانان محبوس در یکی از زندان‌های شهر تهران نابسامانی‌های خانوادگی را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر بزهکاری جوانان یافته مطالعات نشان‌دهنده اهمیت نقش پدر و مادر در پرورش عاطفی و اجتماعی جوانان است و بی‌ثباتی و از هم پاشیدگی خانوادگی در اثر فقدان پدر یا مادر یا هر دو به علت مرگ، طلاق و غیره زمینه‌ساز بزهکاری جوانان است.

پیمایشی جامع در سال ۱۹۸۶ در آمریکا نشان داد که نسبت به جوانان مناطق فقیرنشین «خطای بوم‌شناختی» وجود دارد. در این پیمایش همه متغیرهای تاثیرگذار بر الگوهای فعالیت پلیس تحلیل گردید و این‌گونه نتیجه‌گیری شد که با توجه به توزیع تصادفی میزان دستگیری‌ها، در مناطق فقیرنشین، فراوانی دستگیری‌ها بیشتر است. این امر بیانگر آن است که پلیس بیشتر نیروهای گشتی خود را به علت پیشداوری و پیش‌فرض آن در مورد بی‌قانونی در مناطق فقیرنشین، در این مناطق متمرکز می‌کند. در نهایت، آمارهای جرم این مناطق، به آمارهای رسمی منتقل شده و ظاهراً ایده پلیس‌ها را تایید می‌کند. در مجموع بر اساس جمع‌بندی نظریه‌های بیان‌شده برای تعیین چگونگی قانون‌گریزی و عوامل مرتبط با آن سؤال‌ها و فرضیه‌های زیر مطرح شده است.

### سؤال‌ها

- ۱- عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان کدام‌هاست؟
- ۲- سطح قانون‌گریزی از نظر مجموع موارد قانون‌گریزی در بین حاشیه‌نشینان چقدر است؟

### فرضیه‌ها

- ۱- میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان بر اساس محل تولد والدین آنان متفاوت است.
- ۲- بین فقر فرهنگی و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین فرهنگ فقر و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد.



- ۴- بین فقر نگرشی و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین فقر تحصیلات و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد.
- ۶- بین فقر مشارکتی و میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد.

#### روش تحقیق، جامعه‌ی آماری و حجم نمونه

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه‌ی پیمایشی<sup>۱</sup> و از نظر زمانی یک مطالعه‌ی مقطعی<sup>۲</sup> می‌باشد که گردآوری داده‌ها به روش مصاحبه و با پرسشنامه انجام شده است. جامعه‌ی آماری بررسی حاضر شامل کلیه‌ی حاشیه‌نشینان بالغ منطقه آخمقیه‌ی شهر تبریز می‌باشند که در سال ۱۳۸۷ تعداد آنان برابر ۳۳۲۵۰ نفر می‌باشد که از بین آن‌ها طبق فرمول تعیین حجم نمونه‌ی کوکران با خطای ۰/۰۱ و دقت برآورد  $d=0/05$  و حداکثر واریانس  $pq=0/25$  حدود ۳۸۰ نفر نمونه با توجه به وجود ۸۰۰۰ خانوار در منطقه مورد مطالعه به طور تصادفی سیستماتیک به فاصله هر چهار منزل به صورت تصادفی انتخاب شد.

#### اعتبار<sup>۳</sup> و پایایی<sup>۴</sup> سؤال‌ها و گویه‌ها

اعتبار گویه‌های متغیر وابسته (میزان رعایت قانون) از طریق تکنیک تحلیل عاملی و بر اساس ضرایب بارعاملی آن‌ها در هر یک از سازه‌های زیربنایی تعیین شد. پایایی سؤال‌ها نیز بر اساس آزمون آلفای کرونباخ و پایداری درونی گویه‌ها محاسبه گردید.

پایایی گویه‌های مربوط به نگرش به قانون ۰/۸۲، میزان مشارکت اجتماعی ۰/۷۶، فرهنگ فقر ۰/۶۱، و قانون‌گریزی برابر ۰/۸ به دست آمده است. که همه‌ی سازه‌های مورد بررسی پایایی لازم دارد زیرا حداقل مقدار لازم برای پایایی سؤال‌ها ۰/۶ است (قاضی طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۶۰).

#### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده با نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد. برای تعیین ارتباط محل تولد والدین حاشیه‌نشینان با رعایت قانون (قانون‌گریزی) از آزمون  $t$  مستقل و سطح

همبستگی تحصیلات و قانون‌گریزی از  $\Gamma$  اسپیرمن و برای سنجش همبستگی فرهنگ فقر، فقر فرهنگی، نوع نگرش به قانون و مشارکت اجتماعی از همبستگی پیرسون، در نهایت برای تبیین چندمتغیری میزان رعایت قانون از روی متغیرهای مستقل مانند فقر فرهنگی، مشارکت اجتماعی، فرهنگ فقر، نگرش به قانون، محل تولد والدین و سطح تحصیلات از رگرسیون چندگانه<sup>۵</sup> استفاده شده است.

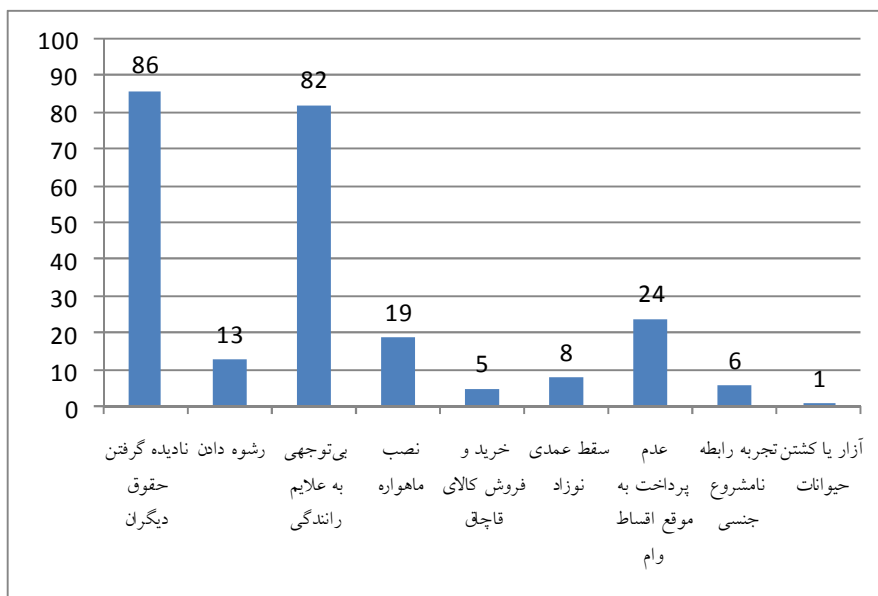
#### اطلاعات توصیفی

در مطالعه حاضر ۴۷/۶ درصد از پاسخگویان مؤنث و ۵۲/۴ درصد مذکر بودند که ۳۳/۴ درصد مجرد و ۶۳/۴ درصد را افراد متأهل و ۳/۲ درصد را افراد مطلقه و بیوه تشکیل داده‌اند. در مجموع متوسط سن حاشیه‌نشینان مورد مطالعه ۳۲/۵ سال با انحراف استاندارد ۱۳/۰۳ و با حداقل سن ۱۶ و حداکثر ۷۹ بوده است از نظر وضعیت تحصیلات نیز حدود ۲۵ درصد افراد ابتدایی و ۲۴ درصد نیز دیپلم بوده‌اند. با این توصیف که ۱۰ درصد بی‌سواد و فقط ۶/۵ درصد بالای دیپلم هستند.

سؤال (۱): عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان کدام‌هاست؟

عمده‌ترین موارد قانون‌گریزی توسط حاشیه‌نشینان طبق نمودار زیر عبارتند از: نادیده گرفتن حقوق دیگران هنگام تامین نیازمندی‌های روزانه، عبور از چراغ قرمز بوده است. در مقابل کمترین نسبت موارد قانون‌گریزی آزار یا کشتن حیوانات و تجربه‌ی رابطه‌ی نامشروع جنسی بوده است و سایر مصادیق قانون‌گریزی نیز در نمودار فوق درج شده است. در مجموع ۹۰ درصد از حاشیه‌نشینان مورد مطالعه حداقل یک‌بار در طول ۴ ماه اول سال ۸۷ قانون‌گریزی داشته‌اند که درصد بسیار بالایی است.

نمودار توزیع فراوانی قانون‌گزینی حاشیه‌نشینان



سؤال (۲): سطح قانون‌گزینی حاشیه‌نشینان از نظر مجموع موارد قانون‌گزینی چقدر است؟ متوسط نمرات قانون‌گزینی حاشیه‌نشینان،  $27/3$  درصد با انحراف استاندارد  $11/51$  به‌دست آمده است به‌طوری‌که حداقل میزان قانون‌گزینی صفر و حداکثر  $66/67$  می‌باشد که در مجموع میزان قانون‌گزینی در بین حاشیه‌نشینان یک آسیب جدی تلقی می‌شود زیرا سطح شیوع آن نسبتاً بالا می‌باشد. به‌طوری‌که با مقایسه‌ی نمرات گرایش به قانون ملاحظه می‌شود هنجارمندی قوانین و ضمانت‌های اجرایی آن از نظر حاشیه‌نشینان به‌طور نسبی در حد پایینی ارزیابی شده است.

توزیع پراکندگی نمرات نگرش به قانون: میانگین گرایش به قانون و ارزیابی کارکردهای آن در جامعه توسط حاشیه‌نشینان برابر  $47/3$  به‌دست آمده است، به‌طوری‌که حداقل نگرش در بین شهروندان صفر و حداکثر  $100$  می‌باشد که در جمع‌بندی نهایی میزان نگرش به قانون تقریباً در حد متوسط است.

توزیع پراکندگی نمرات مشارکت اجتماعی حاشیه‌نشینان: متوسط نمرات مشارکت اجتماعی افراد مورد مطالعه برابر  $61/78$  درصد با انحراف استاندارد  $16/8$  است. در واقع حداقل نمره مشارکت صفر و حداکثر  $96/67$  می‌باشد. یعنی در نتیجه‌گیری کلی می‌توان

قضاوت کرد که مشارکت اجتماعی افراد مورد مطالعه در حد متوسط است و سطح مشارکت در بین حاشیه‌نشینان تقریباً در حد مطلوبی است.

توزیع پراکندگی نمرات فرهنگ فقر در بین حاشیه‌نشینان: متوسط نمرات وجود فرهنگ فقر در بین حاشیه‌نشینان مورد مطالعه ۳۳/۳۵ درصد با انحراف استاندارد ۱۶/۳۴ می‌باشد، به طوری که حداقل نمره بیان‌شده صفر و حداکثر ۸۰ است. یعنی در مجموع میزان وجود فرهنگ فقر در بین حاشیه‌نشینان تقریباً متوسط است و انتظار می‌رود تا حدودی در قانون‌گریزی آن‌ها مؤثر باشد.

توزیع پراکندگی فقر فرهنگی شهروندان: ۱۳/۷ درصد از حاشیه‌نشینان مورد مطالعه با تجربه مرگ والدین در کودکی، ۲۲/۹ درصد غیبت دائمی یکی از والدین در خانه، ۳/۹ درصد طلاق والدین، ۹/۲ درصد زندگی با اقوام، ۱۳/۲ اعتقاد به فرق بین فرزندان در خانه، ۳۷/۹ درصد دعوی والدین در خانه، ۸/۷ درصد با والدین معتاد، ۵/۸ درصد معلولیت یا ناتوانی جسمی از بدو تولد، که بیشترین درصد مربوط به نزاع و دعوی والدین در خانه و غیبت یکی از والدین در خانه به علت مرگ یا طلاق است.

توزیع پراکندگی رعایت قانون حاشیه‌نشینان مورد مطالعه: به طور متوسط میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان در طول ۴ ماهه‌ی اول سال ۸۷ برابر ۵۷/۱۶ درصد با انحراف استاندارد ۸/۵۸ به دست آمده است، به طوری که حداقل نمره رعایت قانون ۲۴/۴۲ و حداکثر ۷۷/۷۸ است و میزان رعایت قانون در بین حاشیه‌نشینان منطقه آخمقیه تبریز متوسط می‌باشد و نشانگر این است که میل به قانون‌گریزی در بین این افراد تقریباً بالا می‌باشد.

### آزمون فرضیه‌ها

فرضیه (۱): میزان رعایت قانون (قانون‌گریزی) حاشیه‌نشینان بر اساس محل تولد (خاستگاه اجتماعی) والدین آنان متفاوت است.

با توجه به نظریه‌ی بوم‌شناختی برگس (وجود جرم و بزهکاری بیشتر در بین حاشیه و مراحل انتقالی) و نظریه‌ی شکاف نسل فلاکس، خاستگاه اجتماعی (مهاجر روستا و بومی شهر بودن) بر قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان مؤثر می‌باشد. مطابق با آزمون تفاوت میانگین انجام‌شده ملاحظه می‌گردد که بین محل تولد والدین حاشیه‌نشینان و قانون‌گریزی آنان با مقدار  $t=1/97$  با سطح معنی‌داری آزمون  $p=0/04$  معنی‌دار می‌باشد، پس نتیجه می‌گیریم

که محل تولد والدین به عبارتی میزان مهاجرت والدین افراد مورد مطالعه بر عدم رعایت قانون تاثیر مستقیم ضعیفی وجود دارد.

تبیین رعایت قانون: میزان رعایت قانون (قانون‌گریزی) حاشیه‌نشینان به پایگاه فرهنگ فقر، فقر فرهنگی، نگرش به قانون، میزان مشارکت، تحصیلات حاشیه‌نشینان، بُعد خانوار و خاستگاه اجتماعی والدین حاشیه‌نشینان بستگی دارد.

پس از سنجش همبستگی تک به تک متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (میزان رعایت قانون) و با توجه به نتایج جدول ذیل فقط بین فرهنگ فقر، تحصیلات، نگرش به قانون همبستگی وجود دارد که در ادامه جهت تبیین به رگرسیون گام به گام انجام گردید.

جدول شماره (۱):

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی‌داری آزمون	مقدار F پیرسون	ضریب تعیین
نگرش به قانون	۰/۰۰۰	۰/۲۹	۰/۸۵	
فرهنگ فقر	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۷	۰/۰۷	
مشارکت اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۲۱۳	۰/۰۵	
سطح تحصیلات	۰/۰۰۴	۰/۱۵	R اسپیرمن	
فقر فرهنگی	۰/۲۹	-۰/۶	-	

بر اساس آزمون رگرسیون چندمتغیری به روش (step wise) و مطابق با جدول شماره (۲) در تبیین میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان از روی مجموع متغیرهای مستقل معنی‌دار باقی مانده است در ۵ گام موجود فرضیه شماره (۲)، ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر  $R=0/57$  و ضریب تعیین  $R^2=0/32$  و ضریب تعیین خالص  $\bar{R}^2=0/31$  به دست آمده است. یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی‌دار موجود در مدل می‌توان تا حدود ۳۱ درصد واریانس میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان را تبیین کرد. در این بین طبق ضرایب بتای استانداردشده متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود: به ترتیب نگرش به قانون با بتای  $0/357$ ، سطح تحصیلات با بتای  $0/234$ ، تاثیر مثبت و خاستگاه اجتماعی والدین با بتای  $-0/207$ ، بُعد خانوار با بتای  $-0/149$  و فرهنگ فقر حاشیه‌نشینان با بتای  $-0/137$  بیشترین تاثیر منفی را در پیش‌بینی قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان دارد که ارتباط متغیرهای مستقل با وابسته نیز طبق تحلیل واریانس معادله رگرسیونی خطی است ( $F=19/41$ ,  $p=0/000$ ). در مجموع فرهنگ فقر، پایین بودن نگرشی به قانون، پایین بودن تحصیلات، بُعد خانوار و فقر شهروندی (مشارکت کم) تاثیر معنی‌داری بر رعایت قانون و

بالتبع ترغیب به قانون‌گریزی حاشیه‌نشینان دارد و گزینه‌ی فقر در ابعاد مختلف خود سیستمی را تشکیل می‌دهد که فرد را برای قانون‌گریزی و عدم احساس مسؤلیت در برابر قانون آماده می‌سازد که این خود تعامل چندوجهی انواع آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد که در معادله‌ی زیر و بر اساس ضرایب بتای استاندارد شده مدل میزان رعایت قانون برآزش شده است.

(بعد خانوار) -۰/۱۶ (محل تولد والدین) -۰/۱۷ (فرهنگ فقر) -۰/۱۸ (سطح تحصیلات) +۰/۲۱ (نگرش قانون) -۰/۳۳ = میزان رعایت قانون

جدول شماره (۲): تبیین میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان بر اساس فرهنگ فقر، بعد خانوار،

نگرش به قانون، خاستگاه والدین و تحصیلات

مدل ۱	شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد مدل
مقادیر		۰/۵۷۴	۰/۳۲۹	۰/۳۱۲	۶/۹۷

جدول شماره (۳): ضرایب بتاهای متغیرهای مستقل مؤثر بر رعایت قانون حاشیه‌نشینان

Sig.	t	ضرایب استاندارد شده		متغیرها
		Beta	Std. Error	
۰/۰۰۰	۱۵/۸۷		۳/۳۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۶۵	۰/۳۳	۰/۰۲	نوع نگرش به قانون
۰/۰۰۰	۳/۵۹	۰/۳۱	۰/۳۲	تحصیلات
۰/۰۰۰	-۳/۰۷	-۰/۱۸	۰/۰۳	فرهنگ فقر
۰/۰۰۴	-۲/۹۱	-۰/۱۷	۰/۹۹	خاستگاه اجتماعی والدین
۰/۰۰۹	-۲/۶۴	-۰/۱۶	۰/۲۴	بعد خانوار

متغیر وابسته: میزان رعایت قانون (قانون‌گریزی)

### نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که هدف عمده، تبیین قانون‌گریزی با توجه به میزان رعایت قانون حاشیه‌نشینان بر اساس حوزه‌های ابعاد فقر بود؛ بنابراین در مؤلفه‌بندی فقر به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، نگرشی پرداخته شد. قانون‌گریزی نیز بر اساس مصادیق و موارد عمده‌ی آن از قبیل آسیب‌رسانی به اموال عمومی، نادیده‌گرفتن حقوق مردم، رشوه‌دادن و رشوه‌گرفتن، بی‌توجهی به علایم راهنمایی رانندگی، قاچاق کالا، سقط نوزاد، ... سنجیده شد. بنابراین در یافته‌های تحقیق حاضر که به صورت پیمایشی اجرا شد مشخص گردید که ۹۰ درصد از حاشیه‌نشینان در طول ۴ ماهه اول سال ۱۳۸۷ حداقل یک‌بار قانون‌گریزی داشته‌اند اگر مکانیسم‌های نظارت وجود نداشته باشد احتمال تکرار قانون‌گریزی وجود دارد که چنین وضعیتی از نظر آماری یک آسیب اجتماعی جدی تلقی

می‌شود. اما با بررسی شیوع قانون‌گزیزی حاشیه‌نشینان ملاحظه شد که مصادیق و شیوع قانون‌گزیزی‌ها از وضعیت فرهنگی - اجتماعی و ادراکات حاشیه‌نشینان تبعیت می‌کند. مرتن نیز در نظریه‌ی ساختاری فرصت استدلال می‌کند که برای مردم فقیر ابزار و اهداف اجتماعی برهم منطبق نیست بنابراین، این گروه به روش‌های جدید سعی بر انطباق اجتماعی می‌نماید و برای تطبیق‌پذیری رفتارهای غیرقانونی را برای پاسخگویی به تقاضاهای و رفع نیازهای خود ضروری می‌داند (مؤمنی، ۱۳۸۱، ص ۳۲).

از نظر مرتن این گروه از افراد (فقرا) با توجه به نیازها، باورها، اعتقادات و قدرت تفکر و تحلیل خود بر رفتارهای قانون‌گريزانه صحنه می‌گذارند و آن را به‌عنوان اخلاق به‌طور ناخودآگاه دنبال می‌کنند (همان، ۳۳). در نتیجه به تکنیک‌های خشی‌سازی متوسل می‌شوند و قانون‌شکنی را حق عقب‌ماندگی یا ناتوان‌بودن فرد می‌دانند که می‌توانند به بازده مثبت برسند (صالحی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷). ساترلند چنین وضعیتی را بر اساس الگوی انتقال فرهنگی تبیین کرده است که باعث گسترش قانون‌گزیزی و شیوع قانون‌گزیزی به‌عنوان شکل‌گیری آسیب اجتماعی مطرح می‌کند (گر، ۱۳۷۹، ص ۲۴، به نقل از صداقت).

در ادامه‌ی مباحث فوق و طبق تبیین جغرافیایی و بوم‌شناختی قانون‌گزیزی نیز برگس به مناطق انتقالی در حوزه‌های شهری توجه کرده است و با آسیب‌شناسی مناطق شهری تایید کرد که فقر نه تنها در ابعاد اقتصادی بلکه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی در زمینه‌سازی اعمال قانون‌گريزانه اهمیت به‌سزایی دارد و متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای مانند نداشتن الگوی زندگی مدنی، ضعف اعتقادات دینی، بی‌سوادی و کم‌سوادی و آشنا نبودن با الگوهای شهروندی شدن قانون‌گزیزی را افزایش می‌دهد.

با توجه به مبانی نظری فوق در تحقیق حاضر نیز ارتباط فقر با قانون‌گزیزی، مشارکت اجتماعی و نگرش به قانون بررسی شد که در نتیجه مشخص گردید سطح قانون‌گزیزی در مناطق حاشیه‌نشین جامعه بالاست. در نتیجه تلقی مثبت از ابزارهای نظم‌دهی و قوانین نیز در جامعه در حاشیه‌نشینان کمتر است، ضمن آن‌که مهارت‌های لازم برای شهروندگرایی نیز بسیار پایین‌تر از طبقه متوسط شهری جامعه بود که این یافته نظریه‌ی مرتن و ساترلند را تایید می‌کند و مطابق با نظریه آن‌هاست. همچنین یافته اخیر با نظریه برگس نیز مطابقت دارد، چرا که از نظر برگس قانون‌گزیزی نتیجه‌ی تعاملات فرهنگی و زیستی است که در

حاشیه‌نشینان بیشتر مصداق دارد. اسکار لوییز با طرح نظریه فرهنگ فقر معتقد است هنگامی که به فرهنگ فقر در سطح اجتماعات محلی و کوچک توجه می‌شود، و هنگامی که احساس هم‌گروهی و تعلق خاطر به اجتماع محلی در بین افراد به حد روستانشینان برسد زمینه برای رفتارهای جمعی و بعضاً مخرب (شکل‌گیری دارودسته‌های مجرم و بزهکار) فراهم می‌شود.

با توجه به نظریه مارکس که عامل اقتصادی را زیربنای سایر عوامل می‌داند، در رابطه با حاشیه‌نشینان و طرز زندگی و فرهنگ، نوع نگرش، سطح تحصیلات و ... می‌توان عملی که از همه مهم‌تر و تاثیرگذارتر در نوع برخورد، زندگی و رفتارشان می‌باشد یعنی بحث مالی و اقتصادی را عنوان نماییم. سایر عوامل همچون فقر اجتماعی، فرهنگ فقر و ... در کنار فقر مالی به وجود آمده و به عنوان کاتالیزور در ترغیب به قانون‌گریزی آن‌ها مؤثرند. اینان به علت نیاز اولیه زندگی و جهت گذران زندگی دست به کارهای مختلف اعم از قانونی و غیرقانونی می‌زنند و اگر از شدت تفاوت طبقاتی در جوامع شهری کاسته شود و ایجاد شغل برای حاشیه‌نشینان نیز با توجه به این مهم که در بخش‌های صنعتی شهر (حواشی شهر) مستقر می‌باشند، مهیا گردد، آن‌گاه می‌توان به فرهنگ‌سازی و امنیت اجتماعی حاشیه‌نشینان توجه نمود. طبق مدل رگرسیونی مشخص شد که بسترهای لازم برای قانون‌گریزی به ادراکات و نگرش‌های مثبت افراد به پیرامون محیطشان بستگی دارد. زیرا در درون همه طبقات سطحی از قانون‌گریزی وجود دارد ولی تکرار و شیوع آن در حاشیه‌نشینان به دلیل وجود ابعاد دیگری از فقر شدت بیشتری دارد. این عوامل عبارتند از فقر شهروندی و بیگانگی نسبت به قانون (نگرش منفی به قانون) که مکانیسم خنثی‌سازی را در بین آن‌ها فعال می‌کند و قانون‌گریزی را زرنگی تلقی می‌کنند که به راحتی نزد سایر افراد گروه خود مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در این میان تعداد زیاد اعضای خانواده و خاستگاه اجتماعی والدین نیز در ترغیب حاشیه‌نشینان به قانون‌گریزی مؤثرند.



### پیشنادهای عملی

پیشنهاد می‌شود سطح علمی و رفاهی و شغلی روستاها به حدی باشد که جوانان روستایی برای دستیابی به شغل مورد نظر، ادامه‌ی تحصیل و زندگی بهتر راهی شهرها نشوند. بالفرض از فارغ‌التحصیلان مقاطع بالای دانشگاهی در روستاها و مناطق حاشیه‌نشین دعوت به تدریس گردد در این صورت علاوه بر خواسته بالا برای خود فارغ‌التحصیلان بی‌کار (اکثر دارندگان مدارج بالای علمی بی‌کارند و یا در شغل‌های غیرتخصصی فعالیت می‌کنند)، ایجاد اشتغال می‌گردد.

با توجه به صنعتی‌بودن شهر تبریز و وجود کارخانه‌های معروفی چون تراکتورسازی، در منطقه حاشیه‌نشین آخمقیه، بهتر است از فارغ‌التحصیلان و جوانان همین منطقه با توجه به سطح تحصیل و توانایی‌های تجربی جهت اشتغال در این کارخانه‌ها استفاده گردد که این می‌تواند علاوه بر درآمدزایی و ایجاد اشتغال برای جوانان و خانواده‌ی آنها، به ترغیب سایر جوانان این منطقه به ادامه تحصیل و تخصص باشد، چرا که چشم‌انداز روشنی از لحاظ اشتغال پس از تحصیل، پیش‌رویشان خواهد بود.

شهرداری و سازمان‌های مربوطه در رابطه با حفظ نظم و هنجارها و مقررات قانونی وضع شده در جامعه و شفاف‌سازی فواید رعایت قانون و پیامدهای منفی حاصل از قانون‌گریزی برای افراد بالاخص جوانان با نصب بیلبردهای تبلیغاتی در محل و آیت‌های نمایشی و کارتونی فرهنگ‌سازی نمایند. حتی رؤسای آموزش و پرورش، با چاپ کتاب‌های مربوط به این‌گونه آگاهی‌ها به صورت اجباری و به عنوان واحد درسی به دانش‌آموزان ارائه نمایند تا دانش‌آموزان به صورت پایه‌ای آموزش یابند و بیاموزند که رعایت نظم و مقررات چه فوایدی و قانون‌شکنی چه مضراتی برای جامعه به همراه دارد.

مسئولان شهرداری منطقه ۷ نیز با ایجاد اماکن عمومی و تفریحی مثل پارک و سینما و استخر و افتتاح کتاب‌خانه و...، همچنین آموزشگاه‌های مختلف در مناطق حاشیه‌نشین، سعی در پُرکردن اوقات فراغت جوانان نماید و با برگزاری مسابقه‌های ورزشی و تفریحی در پارک‌ها تا حدالامکان از حضور در پاتوق‌ها و دوستان ناباب و معتاد جلوگیری گردد.

وضع قوانین با توجه به نیاز مردم محروم جامعه انجام پذیرد و هرچند سال یک‌بار بعضی از قوانینی که موفقیت اجرایی نیافته‌اند، اصلاح گردد و قوانین طوری وضع گردد

که مردم خود مؤظف به اطاعت از آن باشند، نه این که به‌خاطر عدم جریمه و احساس ترس، قوانین را رعایت و اجرا نمایند.

کمیت‌های امداد نیز با توجه به نتایج تحقیقات، مسئولان خود را به این مناطق فرستاده باشد تا افرادی که در فقر مالی شدید به سر می‌برند، شناسایی نماید و با تمهیدات ویژه‌ای به رفع قسمتی از مشکلات آن‌ها فایق آید.

### زیرنویس‌ها

- |                |                        |             |
|----------------|------------------------|-------------|
| 1- Survey      | 2- Cross Sectional     | 3- Validity |
| 4- Reliability | 5- Multiple Regression |             |

### منابع

- ۱- احمدی، حبیب. جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول: ۱۳۸۴.
- ۲- ربانی، رسول و دیگری. جامعه‌شناسی شهری. اصفهان: انتشارات سمت. چاپ دوم: ۱۳۸۵.
- ۳- ستوده، هدایت‌الله. روان‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور. چاپ هفتم: ۱۳۸۲.
- ۴- صالحی، مصطفی. عوامل و موانع قانون‌گرایی. فصلنامه فرهنگ عمومی. شماره ۲-۲۱. ۱۳۷۸.
- ۵- صداقت، کامران. بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان تبریز. پایان‌نامه‌ی دکتری رشته‌ی جامعه‌شناسی سیاسی. دانشگاه اصفهان. ۱۳۸۴.
- ۶- صمدی، لیلاد. قانون‌گریزی و راه‌کارهای آن. نشریه‌ی سپید. شماره ۳۵. ۱۳۸۲.
- ۷- عبداللهی، محمد. موانع قانون‌گرایی در ایران. نشریه‌ی فرهنگ عمومی. شماره ۲۱-۲۰. ۱۳۷۸.
- ۸- فولادبان، احمد. بررسی ساختار اقتصادی - اجتماعی حاشیه‌ی مشهد و مقایسه آن با مرکز شهر در زمینه‌ی گرایش جوانان به انحرافات اجتماعی. پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران. ۱۳۸۵.
- ۹- کلین، جیمز. بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. ۱۳۷۷.
- ۱۰- فریار، اکبر. جزوه‌ی درسی دانشگاه تبریز. ۱۳۷۶.
- ۱۱- قاضی طباطبائی، محمود. تکنیک‌های خاص تحقیق. انتشارات دانشگاه پیام نور. ۱۳۷۱.
- ۱۲- لونیژ، اسکار. فرهنگ فقر. نامه‌ی علوم اجتماعی. ترجمه: مهدی ثریا. تهران: دانشکده‌ی علوم اجتماعی. مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. ۱۳۵۳.
- ۱۳- ماهروی، ابوالحسن. حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان. نشریه‌ی صدای عدالت. ۱۳۸۱.
- ۱۴- مؤمنی، پروین. قانون‌گریزی، علل و عوامل آن. نشریه وکالت. شماره ۵. ۱۳۸۰.
- ۱۵- ممتاز، فریده. نظریه‌ها و دیدگاه‌های انحرافات اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ اول: ۱۳۸۱.